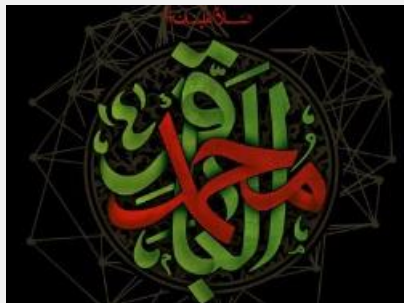




حیات بخشی یاد مرگ / دعوت به سیر آفاقی و انفسی در باب مرگ

امام محمدباقر (ع) به عنوان شکافنده علوم، در باب مرگ اندیشی در روایات متعددی ذکر موت را به انسان غافل و فراموش کار یادآوری می نمایند، که خود نشان از اهمیت حیات دنیوی، برای سعادت اخروی دارد.

امام محمدباقر (ع) به عنوان شکافنده علوم، در باب مرگ اندیشی در روایات متعددی ذکر موت را به انسان غافل و فراموش کار یادآوری می نمایند، که خود نشان از اهمیت حیات دنیوی، برای سعادت اخروی دارد.

خبرگزاری مهر، گروه دین و اندیشه-جواد عبدل زاده: مرگ در عالم خلقت الهی به عنوان یکی از مخلوقات خداوند تبارک و تعالی، گذرگاهی الزامی برای عبور از حیات دنیوی به سوی زندگی اخروی قلمداد شده است. مخلوقی برای سنجش کردار بشر و آزمایش او.

مرگ واقعیتی است غیر قابل تردید و انکار. لیکن آنچه قطع نفس از جسم است و ایستادن قلب صنوبری، در نظر برخی دیواربست به عنوان انتهای زندگی و اتمام حیات و در نظرگاه برخی دیگر، آغاز حیات اخروی است و عبور از گذرگاهی لازم برای مشاهده نتیجه اعمال و کردار دنیایی و معنا یافتن حیات دنیوی.

آن یکی می گفت خوش بودی جهان گرنبودی پای مرگ اندر میان

آن دگر گفت ارنبودی مرگ هیچ که نیرزیدی جهان پیچ پیچ

در دین مبین اسلام باورداشت معاد، ترس و خوف از مرگ نه به خاطر فنا و نیست شدن، بلکه به دلیل ایمان به وجود جزا و پاداش اعمال دنیوی در یوم الحساب است و مرگ اندیشی نه از برای تزریق روحیه یاس و ناامیدی و خمودگی و عزلت گزینی، بلکه برای ذکر مرگ و یادآوردن روزمحاسبه و در نتیجه به هوش بودن برای اصلاح اعمال و رفتار و کردار ها می باشد. یاد مرگ و ذکر موت نوعی دعوت به بازاندیشی در اعمال و تلاش برای استفاده از فرصت محدود زندگی است و نیل به پاداش جاویدان آخرت.

امام محمدباقر (ع) به عنوان شکافنده علوم، در باب مرگ اندیشی در روایات متعددی ذکر موت را به انسان غافل و فراموش کار یادآوری می نمایند، که خود نشان از اهمیت والای این گوهر ارزشمند حیات دنیوی، برای سعادت اخروی دارد.

یاد مرگ در کلام باقری را می توان در دو سرفصل اصلی تقسیم بندی نمود:

۱. دعوت به سیر انفسی در باب مرگ:

در برخی فرمایش های حضرت باقرالعلوم (ع) انسان برای اندیشه و نظر در خویشتن، دعوت می شود. امام باقر (ع) در کلامی که اصحابشان را به صورت عتاب مورد خطاب قرار داده اند می فرمایند:

«ای فرزند سه روز: روزی که در آن تولد یافتی، و روزی که در آن به گور روی، و روزی که از آن به سوی پروردگارت خارج شوی. ای وای که چه روز بزرگی است؟ ای دارندگان جسم زیبا، ای شتران در گرد آب زانو زده، چه شده که من جسمتان را آباد بینم و دلهاتان را ویران!! به خدا سوگند اگر آنچه را که با آن مواجه خواهید شد و آنچه سرانجام کارتان است بنگرید، خواهید گفت: ای کاش به دنیا بازگردانده شویم و آیات پروردگارمان را دروغ نشماریم و از مومنان باشیم و خداوند فرماید: چنین نیست بلکه آنچه پوشیده و نهان می داشتند برآنها پدیدار شده و اگر بازگردانده شوند، بی گمان بدان چه از آن نهی شده اند بازگردند و براستی آنان دروغ می گویند.»

امام معصوم به صراحت انسان را به بازاندیشی در احوالات جسم و روح خویش (پیکر و دل) دعوت نموده، آبادکردن جان به قیمت خراب کردن دل را مذموم می شمارد. آبادی که موقت است و زود گذر و خرابی که می تواند جاودانه باشد. در اندیشه امام باقر (ع) که یکی از حلقه های اصلی معارف اهل بیت (ع) به شمار می رود، «کسی که وضع ظاهرش بهتر از حال باطنش باشد، ترازوی اعمالش سبک است.» و چقدر بارزش و پربهاست پاکی گوهر درونی.

از سویی دیگر امام (ع) حسرت آرزوی دست نیافتنی بازگشت از زندگی اخروی بعد از دیدن نتیجه اعمال را به انسان یادآور شده و بشر را قبل از رسیدن به فرجام، از سرانجام اعمالش بیم می دهد.

در کلام شیوای دیگری پنجمین امام معصوم چنین بیان می فرمایند که: «ای مردم براستی که شما در این سرا بماند هدفی می باشید که تیرهای مرگ همواره به سویتان نشانه می رود و هیچ کدامتان جز با گذشت روزی از عمرش به روز جدید وتازه ای از آن نمی رسد. پس کدام لقمه غذایی است که گلوگیر نباشد؟ یا جرعه آبی است که راه نفس نبندد؟ از این سرای در کوچ به ساختن سرای پیش رو که بدان می روید پردازید، که بی شک امروز غنیمت است و فردا را چه دانی که از آن کیست؟»

تذکر به سیر، اصل اساسی امام در ترغیب به مرگ اندیشی است. تذکر به سیری در درون. در اعماق وجود. سیری در دل. سیری در خویشتن و در نفس خویش. تذکر به آنکه بشر کیست و چگونه با غفلت خود تیرهای مرگ که هر لحظه به سویی رواند را فراموش کرده و یا از روی جهل نادیده می گیرد. تذکر به اینکه لقمه ای نان و جرعه ای آب نیز می تواند مرگ را فرارساند به اذن الهی و چرا امروز را برای آبادی فردا غنیمت نشمارد این انسان ظلوم و جهول.

امام باقر(ع) می فرمایند: «اهل دنیا مسافرانی هستند که بارخود در سیرایی دیگر گشایند. ما شاخه هایی از آن ریشه های از بین رفته ایم، پس دیگر شاخه را پس از ریشه چه بقایی است؟ کجایند آن کسان که عمرشان از شما طولانی تر و آرزوهایشان درازتر بود؟»

کلام امام زنده کننده دل ها است. دل های غفلت گرفته ای که راه برکلام معصوم نیسته تا زنگار از آن بزداید. یادآوری حقیقت مرگ و اینکه همه را در برخواهد گرفت. دیر یا زود سراغ از همه انسانها خواهد گرفت. تذکر به سفری که فقط باربری است نه بهره برداری و حال بارچه باشد و چقدر در مقصد به درد بخورد بسیار مهم است. امام همه را دعوت به اندیشه درونی می نماید. سیری درونی و فردی. سیری در اوج تنهایی و نهایت دقت در وصول به نتیجه. نتیجه ای وجدانی و یافتنی بدون شک و شبهه از برای عمل و اصلاح کردار و رفتار. از برای بازگشت. از برای حیات مجدد انسانی.

۲. دعوت به سیر آفاقی در باب مرگ:

امام باقر(ع) در برخی فرمایش های خود به تبعیت از اجداد معصوم خویش به شیوه ای متفاوت تر از سیر انفسی برای ذکر موت و مرگ اندیشی اشاره می کنند و این شیوه، سیر در آفاق و محیط پیرامون برای یادآوری مرگ و در نتیجه آخرت اندیشی و اصلاح اعمال کنونی در دنیا برای هرچه پربار شدن توشه آخرت می باشد.

ایشان می فرمایند: «ای گریزان از دوزخ چقدر مرکب بسوی آن شتابان و سریع است و اسباب فرو شدن در آن را چه با تلاش بسیار فراهم کردی. بدین گورها بنگرید که چگونه در پس دیوار منازل نقش بسته اند. رسم هاشان بهم نزدیک و مزارشان کنار هم. ولی دیدشان بسیار دور از هم. ساختند و ویران کردند. انس گرفتند و پراکنده شدند. منزل گزیدند و رانده شدند و ساکن شدند و کوچ نمودند. جماعتی با صفاتی چنین عجیب چه کسی شنیده؟ که نزدیکی دور باشد. دوری نزدیک - هم آباد و هم ویرانه- هم آرام و هم در هراس- هم ساکن و هم آواره. هم در وطن و هم در غربت. جز اهل قبور؟»

حضرت محمد باقر(ع) انسان را به نظر در پس دیوارهای منازل فرامی خواند. همانجایی که در همسایگی زندگی و حیات، در دام مرگ گرفتاران با نقش ساده ای بر روی زمین و سنگی بی ارزش، در زیرزمین گرفتار گشته اند. اما این منزل های به هم چسبیده کنارهم و شبیه هم این خفتگان بی صدا، بسیار از هم متفاوتند و تفاوتشان نه در منازلشان بلکه در توشه ای است که به این منزل با خویش برده اند و امام باقر(ع) چه زیبا از توصیفی نمادین برای ترغیب انسان های ناظر به گورها بهره می برند. از تفاوت های اساسی بین همسایگان. آرامش و هراس-سکنی گرفته و آواره-آباد و ویران دور و نزدیک همه این تفاوت ها که در ظاهر قبرها نهان است ناشی از اعمال خفتگان در قبور می باشد.

امام باقر(ع) بشر را به سیری در محیط پیرامونش در گورستان فرامی خواند. آنجایی که محلی است که میزبان همه مهمانان دنیا خواهد بود و این تذکر نه از برای انتخاب محل خفتن، بلکه تلاشی برای رسیدن به آرامش در خفتن و سکونت در غیراز غربت روحی است. تلاش برای در آبادانی زیستن اخروی و دوری از عذاب و هراس و آواره گی.

نتیجه سیردر محیط پیرامون عبرت اندوزی از خفته گان در گورهایی است که در اوج تفاوت های دنیوی، کنار هم ردیف شده اند. منزلگاهی برای همگان و به یک شکل و شمایل. بدون تفاوت. و اما از سوی دیگر این سیرآفاقی تذکری برای غوغای نهان در این خفتن بی صدای ظاهری است. غوغایی ناشی از اعمال قبل از ورود در قبرها. تلاطمی نشات گرفته از کرده ها، رفتارها،

ساخته ها، بافته ها، یافته ها و ...

تلنگر امام به همه آنهایی است که فرصت جبران دارند. مرگ اندیشی می تواند مایه حیات گردد به شرط آنکه در خویشتن خوب بنگریم. در حالات روح و نفس خویش تامل کنیم. مایه حیات است به شرط آنکه چشم بر محیط خویش گشوده و عبرت گیری را به فکرت خویش بیاموزیم. آنگاه لازمه هر علمی عمل است و اصلاح اعمال بهترین راه برای توشه برداری از این دنیا به سرای آخرت می باشد.

و کلام آخر از امام باقر(ع) : «ای بنی آدم، آنچه قدرت برگرداندن آن را نداری به سروعات آمده و چیزی از تو می برد که بر نخواهد گشت. پس خوش گذرانی را، خوشگذرانی مشمار، تو را از آن جز لذتی که به مرگت نزدیک سازد نصیبی نیست. زود است که تو از دست رفته و پیکری بی جان گردی. پس بر تو باد که مراقب خود باشی و غیر آن را رها سازی و از خدا یاری طلب نمایی تا یاریت نماید.»

منبع روایات: تحف العقول